****

[کلام آیت الله زنجانی در مجزی بودن حج افراد انقلابی از حجة الاسلام 1](#_Toc488482249)

[وجوه کلام آیت الله زنجانی 2](#_Toc488482250)

[وجه اول 2](#_Toc488482251)

[نقد وجه اول 2](#_Toc488482252)

[وجه دوم 2](#_Toc488482253)

[نقد وجه دوم 4](#_Toc488482254)

**موضوع**: احکام تقصیر /تقصیر /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

مطالبی از بحث قبل

مطلب اول

## کلام آیت الله زنجانی در مجزی بودن حج افراد انقلابی از حجة الاسلام

آیت الله زنجانی در رابطه با این که حج افراد انقلابی، مجزی از حجة الاسلام باشد، تفصیل داده اند و فرموده اند اگر قبل از احرام به حج در ترک تقصیر معذور بوده، این حج انقلابی مجزی از حج واجب است، و گرنه مجزی نیست و باید بعدا حج تمتع بجا آورد.

ایشان در ترک طواف و سعی در عمره تمتع هم این تفصیل را دارند، کسی که طواف یا سعی عمره تمتع را تا ضیق وقت ترک کرده و عمره او به حج افراد منقلب شده، اگر معذور بوده، حج افراد انقلابی او مجزی از حجة الاسلام است و الا فلا.

اما وجه کلام ایشان بر ما معلوم نیست، بلکه اطلاقات می گوید بر نائی حج تمتع واجب است، چه معذور باشد در ترک حج تمتع در امسال و چه معذور نباشد، در بحث ما نیز ترک تقصیر کرده و محرم به حج شده، اطلاق مقامی هم منعقد بر اجزاء نیست و اگر هم می بود، باز مطابق با نظر محقق خوئی می شد، اما فرض این است که این نظریه، تفصیل داده است.

### وجوه کلام آیت الله زنجانی

البته ممکن است دلیل ایشان بر این تفصیل، یکی از این دو وجه باشد؛

#### وجه اول

در صحیحه ابان آمده ان ادرکت کنت متمتعا و الا کنت حاجا، اگر محرم به عمره تمتع، عمره را درک نکند، عمره او به حج افراد منقلب می شود و از این روایت استظهار شود که حج افراد، مجزی از حج واجب است و گفته شود که در موارد معذور بودن شخص، لم یدرک صدق می کند، اما بر کسی که معذور نبوده، لم یدرک صدق نمی کند

##### نقد وجه اول

اولا: این روایت در مقام بیان اجزاء از حجة الاسلام نیست.

ثانیا: سلمنا؛ و لکن چرا بین معذور و غیر معذور فرق گذاشته شود، اگر مقصود از ادرکت، ادراک وقت عمره تمتع باشد، این شخص ادراک وقت تمتع کرده است و لم یدرک صدق نمی کند و اگر مقصود از ادرکت، ادراک خود عمل عمره تمتع باشد، در این صورت کسی که عمدا هم اعمال عمره تمتع را تاخیر بیندازد و محرم به حج شود، صدق می کند که عمره تمتع را درک نکرده است و علی ای حال فرقی بین معذور و غیر مذور نیست.

#### وجه دوم

ایشان سابقا می فرمود همه مکلفین نائی مخیرند بین حج تمتع و حج قران و افراد، بر نائی حج تمتع متعین نیست، بلکه افضل است، بعدا به جهت صحیحه حلبی نظرشان تغییر کرد، با این صحیحه دو نظریه ایشان تغییر نمود یکی همین نظریه و دیگری این که می فرمود بر مستطیع عمره مفرده، عمره مفرده واجب است: وَ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ وَ قَالَ: إِذَا اسْتَمْتَعَ الرَّجُلُ بِالْعُمْرَةِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ مِنْ فَرِيضَةِ الْمُتْعَةِ وَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ دَخَلَتِ الْعُمْرَةُ فِي الْحَجِّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.[[1]](#footnote-1)

معنای روایت این است که اگر کسی عمره تمتع انجام دهد، فریضه عمره را انجام داده است و ابن عباس هم می گفت عمره در حج داخل شده است.

ایشان فرموده ضمیمه کردن این دو مطلب در صحیحه حلبی پیام و نکته ای دارد، تنها ارتباط این دو فقره این است که می خواهد بگوید دلیل این که در غیر مکی با انجام عمره تمتع، فریضه عمره اداء می شود، این است که ابن عباس هم گفت عمره در حج داخل شده، یعنی وظیفه غیر مکی، عمره ای است که داخل در حج شده، و نه عمره مفرده، پس عمره غیر مکی در حج او داخل شده است، یعنی بر او حج تمتع واجب است و دیگر عمره مفرده و حج افراد بر او واجب نیست.

لذا اگر ظهور کلام ابن عباس در این که عمره واجبه با حج واجب مرتبط شده، منقعد نبود، استشهاد امام علیه السلام به کلام او موجه نبود.

در نتیجه عمره مفرده بر غیر مکی واجب نیست، زیرا وجوب عمره بر غیر مکی مرتبط با حج شده و حج افراد هم بر غیر مکی واجب نیست، زیرا معنای روایت این شد که بر غیر مکی، عمره مرتبطه داخل شده در حج واجب است، البته اطلاق ندارد و در مقام بیان حکم اولی است و لذا اگر کسی عذر داشت و متمکن از حج تمتع نبود، ولو از روی عذر و جهل تقصیری ترک عمره تمتع کرده باشد، (مثل این که ترک تقصیر کرده باشد) می تواند حج افراد انجام دهد و همین وجه تفصیل ایشان شاید باشد.

##### نقد وجه دوم

اولا: استدلال ایشان به این صحیحه در عدول از دو نظریه مهمی که داشتند، ضعیف است، یا از اول قائل می شدند به این که ظاهر ادله، وجوب تعیینی تمتع بر نائی و عدم وجوب عمره مفرده بر اوست، و یا اگر در ظهور این ادله مناقشه می کنند، صحیحه حلبی ظهوری ندارد که سبب تغییر نظریه ایشان شود، چون حضرت علیه السلام در این روایت فرموده بر هر مکلفی جنس عمره واجب است و عمره تمتع هم فردی از افراد جنس عمره است، بر مکلفین نیز عمره واجب است و نه عمره مفرده و عمره تمتع هم فردی از افراد عمره است و برای این که فردیت عمره تمتع را برای جنس عمره اثبات کند، به کلام ابن عباس استشهاد فرمود که او هم گفته دخلت العمرة فی الحج، یعنی عمره تمتع هم یکی از افراد عمره است که مرتبط با حج شده است، نه از حیث وجوب، بلکه از حیث مشروع بودن، یعنی ارتباط در مقام امتثال دارد، نه در مقام وجوب.

ثانیا: اگر این صحیحه حلبی می خواهد بگوید حج واجب و عمره واجبه از حیث وجوب با هم متحدند و آن چه بر غیر مکی واجب گشته، عمره مرتبطه به حج است، وجهی ندارد که از اطلاق آن نسبت به غیر معذور منع شود.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص307، أبواب أن من تمتع بالعمرة إلی الحج...، باب5، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/307/%D8%AF%D8%AE%D9%84%D8%AA) [↑](#footnote-ref-1)